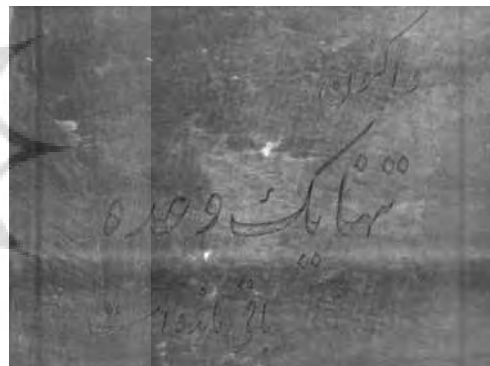


مروری بر کتاب «و اکنون تنها یک وعده باقی مانده است»

# تاریخ مهدویت با مشارکت مخاطب

سیدعلی محمد رفیعی

نام کتاب: و اکنون تنها یک وعده باقی مانده است  
نویسنده: حورا طباطبایی قمی، میترا بیگلری،  
منا زریاف و زهره لؤلویی  
طراح: انسیه لؤلویی  
چاپ: چاپ اول، ۱۳۸۶  
قطع: خشتی تقریباً بزرگ مایل به بیاضی  
ناشر: انتشارات گرایش تازه، تهران  
شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه  
بها:؟  
شمار صفحات: ۳۰ صفحه (بدون شماره گذاری)



«من نمی دانم هومو اِرکتوس و استرالوپیس چه موجوداتی بودند و یا روی زمین چه می کردند؛ اما می دانم که پدر و مادر ما انسان ها، آن موجودات یا میمون نبوده اند. مگر نه این که هم اکنون در جهان ما، نسل بعضی از حیوانات مانند پاندا در حال انقراض است؟ حالا اگر انسان های دو میلیون سال بعد، فسیل چند پاندا را به دست آورند، در حالی که هنوز خرس قطبی در جهان باقی باشد، باید معتقد شوند که این ها در حال تبدیل و جهش بوده اند و پانداها به خرس قطبی تبدیل شده اند؟؟»

و یا چنان چه روزی مثلاً بر اثر جنگ، فقط یک مرد یا کودک دوماهه اش روی زمین باقی بماند و همه چیز نابود شود، اگر چه مجبور شود در غار زندگی کند، به فرزندش سخن گفتن یاد نخواهد داد؟

من دلیل محکم تری هم دارم. اگر ماجرای را از شخصی راستگو - که در محل وقوع آن، حاضر و ناظر بوده است - بشنویم، آیا به گمان کسانی که آن جا نبوده اند، یا از کسی هم که آن جا بوده چیزی شنیده اند، اهمیت می دهیم؟! چگونه خلقت انسان را آفریدگار ما بهتر می داند یا کسانی که بر اساس تصوراتشان، نظریاتی داده اند؟؟

خداوند دانا و توانا می گوید: من آدم را آفریدم، به او دانش بسیار دادم؛ با او و همسرش سخن گفتم و آنان نیز با من سخن می گفتند! فرزندانش با یکدیگر، گفت و گو می کردند....

حال، چگونه می توان این نظریه را پذیرفت که انسان ها در ابتدا برای برقرار کردن ارتباط با یکدیگر، به جای حرف زدن، نقاشی می کشیدند؟!

وقتی شما با چنین آغازی برای یک اثر دینی یا مذهبی مواجه می‌شوید، نخستین چیزی که در خودآگاه یا ناخودآگاه شما حضور می‌یابد این است که با اثری متفاوت روبه‌رو هستید.

«و اکنون تنها یک وعده باقی مانده است» در یک نگاه، اثری است با محوریت مهدویت، اما در گذار از تاریخ پیدایش انسان تا زمان ظهور و با دورنمایی از عصر ظهور. این کتاب می‌گوید:

"تاریخ زندگی انسان کنونی با آدم(ع) آغاز شد. همو که پیامبر بود. و با همسرش، که منشأ نسل انسان بودند. انسانی که برای آموختن و سربلند از آزمون بیرون آمدن، برای پاک شدن و پاک ماندن پا به این جهان نهاده بود. انسانی که سوگند ابلیس برای گمراه ساختن او همواره دنبالش می‌کرد و حسد و برادرکشی را به او می‌آموخت. و اینک برادرانی که به جای آموختن پاکی به حذف پاکی می‌اندیشیدند و در برابر آن‌ها پاکانی که نسلی پس از نسلی می‌آمدند و هر یک وعده‌ی آمدن بعدی را می‌دادند تا هر کدام چراغی باشند روشن در مسیری که به روشنایی بعدی می‌پیوندند؛ راهی روشن به سوی پاکی مطلق. و با هر پیامبر، ماجرابی بود و پاکان و پلیدانی و پیروزی و شکستی. و هر بار وعده‌ی آمدن پیامبر بعد و جانشینی دیگر. و تاریخ انبیا همه، همین ماجراست و همین وعده‌ها که یکایک در پی یکدیگر تحقق یافتند. از آدم به جانشینانش تا نوح. از نوح و جانشینانش تا ابراهیم و جانشینانش تا موسی و جانشینانش تا عیسی. و از او و جانشینانش تا خاتم پیامبران. همه، وعده‌هایی که تحقق یافتند و همه، رنج‌ها و دشواری‌ها و پیروزی‌ها و شکست‌ها. و صالحانی پس از صالحان. آن‌گاه از خاتم پیامبران به سید جانشینان و همه، نویدها و بیم‌ها و رنج‌ها و وعده‌های ظهور صالحان بعد. همه، وعده‌هایی که تحقق یافتند. و سرانجام، وعده‌ی پیروزی نهایی بر پلیدی و تحقق حکومت پاکان و صالحان به رهبری خاتم جانشینان پیامبر خاتم. اما این آخرین وعده هنوز تحقق نیافته است." (به نقل از معرفی این کتاب در گزارش تفصیلی بیست و ششمین دوره کتاب سال جمهوری اسلامی ایران، دهه فجر ۱۳۸۷)

این کتاب دارای ویژگی‌هایی چند است که آن را از دیگر آثار پدیدآمده‌ی دینی به‌ویژه با موضوع مهدویت، آن هم برای مخاطبان از کودک تا بزرگسال ممتاز می‌کند:

**نخست.** متن کتاب در هر دو صفحه‌ی روبه‌رو، تاریخ فشرده و داستان جذاب زندگانی یکی از پیامبران است که با اطلاعات جنبی و متنوع و تصاویر رنگی گوناگون همراه شده است. هر پیامبر نیز سرانجام جانشینی را معرفی می‌کند و وعده‌ی آمدن پیامبر بعدی را می‌دهد. معرفی قرآن، معرفی نخستین جانشین رحمت عالمیان و دوازده جانشین پیامبر، معرفی آخرین جانشین، معرفی جهان پیش از ظهور، نمادی از دوران پس از ظهور و فهرست مفصل منابع و مآخذ مرتبط با اطلاعات موجود در کتاب نیز هر کدام دو صفحه را به خود اختصاص می‌دهند.

**دوم.** کتاب علاوه بر تصویرهای متعدد و اطلاعات متنوع، تقریباً در هر دو صفحه، همراه با پاکت‌ها، بروشورها، کتابچه‌ها و کارت‌هایی حاوی اطلاعاتی مصور و غیر مصور مرتبط با موضوع‌اند که به صفحات کتاب چسبیده‌اند و گوشودن و بیرون کشیدن و خواندن و دیدن آن‌ها جذابیت‌هایی بسیار برای خواننده دارد و مشارکت و اشتیاق او را برای مطالعه برمی‌انگیزد.

**سوم.** استناد به منابع و مآخذی متعدد از کتب عهدین گرفته تا قرآن کریم و روایات اسلامی به‌ویژه از مدارک شیعه، بر اعتبار مطالب این کتاب افزوده است.

در مجموع نیز مشابهی برای این اثر در کشور ما به ویژه در حوزه‌ی دین، آن هم برای مخاطب نوجوان نمی‌توان یافت. این کتاب به دلیل ویژگی‌های مثبت خود در سال ۱۳۸۷ جایزه‌ی کتاب سال جمهوری اسلامی را به عنوان اثر برتر سال ۱۳۸۶ در بخش دین کودک و نوجوان به خود اختصاص داد.

البته این اثر، ضعف‌ها و کاستی‌هایی نیز دارد که در مرور خود به آن در هر مورد خواهیم پرداخت. اما ضعف‌ها و کاستی‌های کلی آن عبارت‌اند از:

۱. اوراق کتاب- که از جنس کاغذ گلاسه‌ی ضخیم و در حد مقوا هستند- فاقد شماره‌ی صفحه‌اند.
۲. تصاویر کتاب، برگرفته از اینترنت‌اند و اغلب، هویتی غربی دارند. در نشستی که حدود دو سال پیش با خانم طباطبایی قمی (سرپرست مؤلفان این کتاب) داشتم و این اشکال را مطرح کردم، پاسخ این بود که خلق تصاویر جدید و به عبارت دیگر تصویرگری مستقل برای این کتاب، هزینه‌های هنگفتی را می‌طلبد که از بضاعت و استطاعت پدیدآورندگانش بیشتر بود.

## مروری بر کتاب

با توجه به نبود شماره‌ی صفحه در صفحات کتاب، مرور و تورق آن را با نشانه‌های دیگری جز شماره‌ی صفحات دنبال می‌کنیم:

### ۱. صفحات شناسنامه و سپاس

بلافاصله پس از جلد، صفحات شناسنامه (در سمت راست) و سپاس (در سمت چپ) قرار دارند. این کتاب همراه با سپاس، تقدیم به خداوند و آن‌گاه تقدیم به معصومانی شده است که سرپرست مؤلفان، اذعان می‌کند که هر چه دارد، از همان‌هاست. بنابراین چیزی برای آن ندارد که نثار قدومشان کند.

## ۲. صفحات مقدمه

دو صفحه‌ی بعد، صفحات آغازین و معرف جهت‌گیری این کتاب‌اند.

صفحه‌ی سمت راست شامل نقشه‌ای بزرگ و طبیعی از کُره‌ی زمین است که بخشی از آن به صفحه‌ی روبه‌رو رفته است. در پایین سمت راست این صفحه، پاکتی مُهر و موم شده چسبیده است. بر روی موم این پاکت، مُهر "منتظران" را می‌شود خواند. موم کاغذی را که باز کنی و در پاکت را که بگشایی، کاغذی از جنس گلاسه را می‌بینی که به شکلی متفاوت، چند تا خورده است. نوشته‌ی این کاغذ را که می‌خوانی، متوجه می‌شوی که این کاغذ در واقع پیش‌گفتار کتاب است و در آن هدف از تألیف کتاب برای خواننده بیان شده است.

در صفحه‌ی سمت چپ، «بسم‌الله» با خط ثلث به صورت ترکیب جمع (قصارنویسی) در داخل دایره‌ای آمده است. در زیر آن ترجمه‌ی آیه‌ی ۱۰۵ سوره‌ی انبیاء را می‌خوانیم: "... صالحان وارث زمین خواهند بود...". متن این صفحه در واقع مقدمه و معرفی کتاب است.

## ۳. صفحات «آغاز تاریخ»

دو صفحه‌ی بعد، عنوان «آغاز تاریخ» دارد. پیش از هر چیز در این دو صفحه، عکسی از میمونی انسان‌نما (یا انسانی میمون‌نما)؛ یک انسان اولیه؛ موجودی کریه با اندام‌واره‌ی انسانی با سر اسکلتی کریه و مزین به تزیین‌ها و آتش‌هایی به نشانه‌ی ابلیس؛ میوه‌ها و گل‌هایی به نشانه‌ی بهشت؛ عکس قوچی به نشانه‌ی قربانی هابیل در فضایی آبی (با شرح عکس)؛ خوشه‌هایی از گندم نامرغوب به نشانه‌ی قربانی قابیل در فضایی آتشین (با شرح عکس)؛ و سرانجام بروشوری چهارصفحه‌ای که بر صفحه‌ی سمت چپ چسبانده شده است و وصیت حضرت آدم(ع) به فرزندان خود را دارد که به آن‌ها پیروی از شیث (هبه‌الله) را توصیه می‌کند و به پیش‌گویی درباره‌ی ظهور نوح(ع) و حوادث زمان او و وعده‌ی آمدن او می‌پردازد.

تصویر طوماری نیز در این دو صفحه آمده که متن توبه‌نامه‌ای است که آدم(ع) با گفتن آن، بخشوده شد.

متن این دو صفحه با همان پرسشی درباره‌ی آفرینش انسان آغاز می‌شود که در آغاز این مقاله نقل شد. آن‌گاه داستان آفرینش انسان به روایت قرآن؛ ابا کردن شیطان از سجده در برابر آدم(ع)؛ ماجرای حضور آدم و همسرش در بهشت؛ گمراه شدن آن‌ها به وسیله‌ی شیطان؛ رانده شدن آن‌ها از بهشت؛ توبه‌ی آدم و همسرش؛ هبوط آن‌ها بر زمین؛ فرزندان شدن آن‌ها؛ ماجرای هابیل و قابیل و سرانجام جانشینی شیث(ع) به عنوان میراث‌دار پیامبری به جای آدم(ع) آمده است که مستند به منابع اسلامی است.



این دو صفحه در مجموع، ۴۵ مورد ارجاع به منابع دارند.

### ۳- ۱. نقدی بر این دو صفحه

در آیات ۳۶-۳۸ سوره حجر (۱۵) و ۷۹-۸۱ سوره ص (۳۸) آمده است که پس از آن که خداوند، ابلیس را به کیفر نافرمانی از سجده بر آدم از بهشت بیرون کرد، ابلیس از خداوند خواست که او را تا روز مبعوث شدن انسان‌ها (قیامت) مهلت و فرصت دهد. اما خداوند به او گفت که تا "روز وقت معلوم" مهلت و فرصت دارد. این پاسخ خداوند به این معنی است که مهلت ابلیس و زمان زنده بودن و فعالیت او، تا قیامت و مرگ همه‌ی انسان‌ها نیست بلکه تا زمانی است که مسلماً پیش از قیامت خواهد بود و انسان‌ها مدت زمانی را تا قیامت خواهند زیست که در آن مدت دیگر ابلیس در قید حیات و دارای امکان فعالیت نیست.

این که "روز وقت معلوم" چه زمانی یا چه روزی است، مورد پرسش مفسران بوده است. روایات شیعه، به نقل از امامان معصوم(ع) سه پاسخ برای این پرسش دارند:

۱. زمانی بین نوح(ع) اول (مرگ همه‌ی انسان‌ها) و نوح(ع) دوم (برخاستن همه‌ی انسان‌ها برای قیامت).
۲. زمانی که رسول اکرم(ص) در یکی از رجعت‌های خویش به این جهان - مدت زمانی پس از ظهور امام زمان(ع) - سر ابلیس را بر صخره‌ی بیت‌المقدس خواهند بردید.
۳. زمانی دراز پس از ظهور امام زمان(ع) در آخرین رجعت امیر مؤمنان علی(ع) به این جهان که جنگی عظیم میان همه‌ی حق و هوادارانش و همه‌ی باطل و هوادارانش درمی‌گیرد. در این هنگام رسول اکرم(ص) به همراه گروهی از فرشتگان حضور می‌یابند و با وارد کردن ضربیه‌ی ساحی از نور به میان دو کتف شیطان، او را می‌کشند و او و هوادارانش نابود می‌شوند. این زمان دهه‌ها هزار سال پیش از قیامت است.
۴. هنگامی در زمان ظهور امام زمان(ع) که ابلیس را در مسجد کوفه حاضر می‌کنند و گردن می‌زنند. این که کدام از این چهار دسته روایات قابل اعتمادند یا چگونه با یکدیگر قابل جمع‌اند، نیازمند مباحثی تخصصی در علوم رجال و درایه‌الحديث است و جای آن در این نشریه نیست. اما به هر حال، پذیرش یک دسته روایت از این چهار دسته و منحصر کردن زمان مرگ ابلیس به هنگام ظهور امام زمان(عج) در این دو صفحه از کتاب حاضر، نیازمند دلیل محکم است.

### ۴. صفحات «نوح علیه‌السلام»

دو صفحه‌ی بعد داستان بُت‌پرست شدن بسیاری از مردم پس از درگذشت آدم(ع) و پیش از ظهور نوح(ع) است. آن‌گاه ظهور نوح(ع) و نبوت او و ماجرای طوفان - که تحقق وعده‌ی آدم(ع) است - آمده است. آن‌گاه نوح(ع) به هنگام وفات خود طبق فرمان خداوند وعده‌ی آمدن هود را می‌دهد. این وعده نیز تحقق می‌پذیرد. و سپس قوم ثمود و صالح(ع) و وعده‌هایی که



خلاف به آن‌ها راه ندارد.

در این دو صفحه، تصویری از درختان نخل به نشانه‌ی نخل‌هایی که نوح(ع) از چوب آن‌ها کشتی ساخت؛ سه تصویر از مراحل ساخت کشتی؛ کشتی کامل شده و کشتی نجات‌یافته از طوفان؛ تصویری از پنج بت قوم نوح همراه با نمادی از شیطان و آتش؛ تصویری از خرابه‌های تاریخی قوم ثمود (تقریباً همه با شرح عکس) و تصویر صفحه‌ای کهنه‌شده از کتاب «کمال‌الدین و تمام‌النعمه» اثر شیخ صدوق که در آن نوح در هنگام وفات- به نقل از امام صادق(ع)- وعده‌ی غیبت و سپس ظهور هود(ع) را می‌دهد، وجود دارد.

این دو صفحه در مجموع، ۳۸ مورد ارجاع به منابع دارند.

#### ۴ - ۱. نقدی بر این دو صفحه

تصویری میان صفحات اول و دوم از کشتی نوح در خشکی قرار دارد که در حالتی پس از ساخته شدن و آماده شدن و قبل از حرکت است بی آن که هنوز بارانی باریده باشد؛ اما به عنوان شرح عکس این کشتی، ترجمه‌ی آیه‌ای از قرآن کریم قرار گرفته است با این متن که: "و آن کشتی در دریا، با امواجی مانند کوه، در گردش بود" که البته تناسبی با عکس ندارد.

#### ۵. صفحات «ابراهیم علیه‌السلام»

دو صفحه‌ی بعد، داستان زندگی ابراهیم(ع) از آغاز تا پس از ساختن کعبه به وسیله‌ی او و فرزندش اسماعیل(ع) است.

در این دو صفحه، تصویری از آتش و همان موجود کریه و آتشین- که شیطان است-، تصویری از شهر بابل؛ تصویر چهار پرنده‌ای که ابراهیم آن‌ها را کشت و مخلوط کرد و کوید و بر سر بلندی‌هایی گذاشت و آن‌ها را فراخواند و زنده شدند و تصویری از یک قوچ را می‌بینیم. پاکتی نیز در صفحه‌ی سمت چپ قرار دارد که بر روی آن مسیر حرکت ابراهیم در خاورمیانه و شبه‌جزیره‌ی عربستان مشخص شده است. تصویر دو نقشه‌ی دیگر به صورت تزئینی و ناقص در زیر این پاکت قرار دارند. درون پاکت، سه کارت است. در یکی از کارت‌ها، توضیح مطلبی اعتقادی درباره‌ی موحد بودن پدران و مادران پیامبران آمده و در آن شبهه‌ی واژه‌ی «آب» برای عمومی بُت‌پرست ابراهیم(ع) توضیح داده شده است. کارت دیگر، نقشه‌ای از جهان است که منطقه‌ای در آن مشخص شده است که آغازگاه تمدن بشر و سرزمین پیامبران الهی بوده است. کارت دیگر، داستان پیش‌گویی یوسف(ع) برای ظهور موسی(ع) است؛ وعده‌ای که چهارصد سال بعد تحقق یافت.

این دو صفحه ۴۱ مورد ارجاع به منابع دارند.

#### ۵ - ۱. نقدی بر این دو صفحه

در آیه‌ی ۲۶۰ سوره‌ی بقره (۲) داستان چهار پرنده‌ای آمده است که در بالا به آن اشاره شد. در این آیه پرسش ابراهیم(ع) از خداوند درباره‌ی کیفیت زنده شدن مردگان توسط خداوند مطرح می‌شود. خداوند به ابراهیم(ع) می‌فرماید: "آیا ایمان نداری؟"



و ابراهیم(ع) پاسخ می‌دهد: "چرا؛ اما می‌خواهم قلبم مطمئن شود."  
خداوند هم به او دستور کشتن و قطعه قطعه کردن و کوبیدن و مخلوط کردن چهار پرند و قرار دادن آن‌ها بر چندین تپه  
یا کوه و آن‌گاه فراخواندن آن‌ها توسط ابراهیم(ع) می‌دهد تا زنده شوند و به سرعت به سوی ابراهیم(ع) بیایند و ابراهیم(ع)  
زنده کردن مردگان را تجربه کند.

اما در انتهای صفحه‌ی دوم این بخش، روایتی به نقل از امام رضا(ع) آمده که ضمن ضعف راوی و اشکال در انتساب آن  
به امام رضا(ع)، هم موافقتی با آیه ندارد و هم ترجمه‌ای درست از آن صورت نگرفته است. این روایت در کتاب توحید صدوق  
به نقل از تمیم بن عبدالله بن تمیم قرشی با سلسله‌سندی آمده است. کافی است نام همین راوی اول را در کتاب‌های رجال  
شیعه ببینید و دریابید که او را با ویژگی "ضعیف" توصیف کرده‌اند. متن روایت نیز نه صحبت از پرسش ابراهیم(ع) درباره‌ی  
چگونگی زنده شدن مردگان؛ بلکه شک ابراهیم در این است که آیا خداوند او را دوست خود می‌داند یا نه. نشان‌های که خداوند  
برای این دوستی ذکر کرده این است که دوست خداوند، اگر از خداوند بخواد مرده را زنده کند، خداوند دعای او را مستجاب  
خواهد کرد.

ملاحظه می‌شود که در این روایات، علاوه بر تغییر موضوع آزمایش که در قرآن آمده، فراخواندن پرنندگان نیز که متن قرآنی  
است، بدل به خواندن خداوند و دعا کردن به درگاه او شده است. بنابراین متن روایت ناهم‌خوانی‌هایی با قرآن دارد.  
در ترجمه‌ی روایت نیز اشتباهی به چشم می‌خورد. تکه‌های له‌شده و درهم‌آمیخته‌ی پرنندگان در ترجمه‌ی روایت، بر سر  
"چهار" بلندی گذارده می‌شوند در حالی که هم در آیه و هم در روایات، صحبت از قرار دادن پرنندگان بر سر "هر کوه، تپه یا  
بلندی است."

## ۶. صفحات «موسی علیه‌السلام»

این دو صفحه، زندگی حضرت موسی(ع) از آغاز تا گوساله‌پرست شدن بنی‌اسرائیل است. در این دو صفحه، تصویر نقش برجسته‌ای  
از فرعون؛ بنی‌اسرائیل در حال دعا؛ گذشتن بنی‌اسرائیل از رودخانه؛ محراب مسجد کوفه به عنوان نمادی از "باب حطه" در امت  
اسلام؛ تصویری از گوساله‌ی سامری؛ بنی‌اسرائیل و عیش و نوش آن‌ها در کنار گوساله؛ بنی‌اسرائیل در بردگی فرعون و تصویر  
چهار برگه‌ی کهنه‌شده شامل آیاتی از تورات درباره‌ی وراثت صالحان بر زمین، قیام قائم، حکومت یکی از نوادگان پدر داوود(ع)  
که نیای مادری مهدی موعود(عج) است و پدید آمدن امتی از نسل اسماعیل با دوازده رئیس آمده است. کاغذی تاشده و دارای  
مهر و موم با نقش "منتظران" نیز بر صفحه‌ی سمت راست چسبیده است که چون خواننده، مهر و موم کاغذی را می‌گشاید و  
تای کاغذ را باز می‌کند، نوشته‌های به خط نسخ می‌خواند که درباره‌ی ضرورت تعیین وصی پیامبر به وسیله و به فرمان خداوند  
است و این که وصی موسی علیه‌السلام، نخست برادرش هارون و پس از درگذشت او، یوشع بن نون بود.

بنی‌اسرائیل در اثر شکنجه‌های فرعون، در سستی و فشار بسیار به  
سر می‌بردند. آنان از مردم جوانی برای رویش آرزو همه سخنی  
و فکرات دعا کنند و از خدا باری خواهند می‌خواستند، محسنه بود  
اسرائیل کن می‌شدند و دعا می‌کردند تا خدا همین جانشینی را که  
یوسف از سرکردگی امتش آزاده بود فرستاد تا مانع  
کنی فرعون جانی ندهد بعبودگران آن را این گونه نغمه کردند که مردی از بنی اسرائیل خواهد  
آمد و ساط قدرت او را بر خواهد خیزد و حشمت سراسر وجود فرعون را فراگرفت. او فرمان داد، مردان بنی اسرائیل  
حتی بوزادگان بکشند و زینت‌ها را به اسارت بگیرند. این کشتن و قتل و شکنجه سال‌ها ادامه یافت. اما خداوند  
هر کاری را که بخواهد انجام می‌دهد و هیچ کس را در آن مقوله با او نیست.  
خداوند برای آنکه فرعون را از خاطر ساط حشمت موسی - علیه‌السلام - حضرت ابراهیم - علیه‌السلام - الهی از  
بارداری باشد. در سالهای پاره بزرگ، هفت سه نفر این گونه بودند. مادر احموت مهدی - علیه‌السلام - نیز او را محتسبه  
و جنایی قتل می‌کرد.  
با وجود نداشتن‌های فرعون برای نبودن موسی - علیه‌السلام - و به تویی که همه شایسته موسی - علیه‌السلام - را  
در قصر خود جای داد و موسی - علیه‌السلام - در کنار فرعون قرار گرفت.  
در حالی که کشتار برای یافتن ادانه داشت! سال‌ها گذشت.  
موسی - علیه‌السلام - به پاسبری برگزیده شد و برادرش هارون نیز عهد خدای بزرگ، آن دو برگزیده را به سوی فرعون فرستاد او و  
انزلیاتش گروهی فاسق بودند که از خدای یکتا انعامت نمی‌کردند. بروردگار مهربان فرمان داد با با زبانی جویس او را بخواند و  
بخوانند بنی اسرائیل را از بند اسارت و بندگی رها سازد و با آن‌ها همراه کنند. فرعونی که همه بی می‌پرستید و هم ادعی خدای  
می‌کرد؛ با راهمایی انزلیاتش، برای مقابله با موسی - علیه‌السلام - از تمام جادوگران کمک خواستند؛ و جادوگرایی که ادعا می‌کردند بر  
هر کاری قادرند از او تقاضای اجر و پاداش کردند!  
موسی - علیه‌السلام - بر ساحران، پیروز شد. دینش ایات حق، در جادوگران، مؤثر واقع شد و آن‌ها ایمان آوردند. اما فرعون هم چنان  
در نادانی خود باقی ماند. موسی - علیه‌السلام - با معجزات متعدد، حجت را بر فرعون و برادرش تمام کرد؛ اما مهلت طولانی مصریان، خواب  
عمیق آن‌ها را سبک نکرد.

و قال تا نیکه الاطی  
و فرعون گفت من خدای برتر شما  
هزارات ۳۴  
مستحق، فوبه اسطافون، کتبه کتاب  
فوبه مفسرین  
بن فرعون بود خود را جزیر و بیل  
کشتن بر کاشنن خواهد  
این موسی به کار بودند.  
پرستی ۳۴

کتاب ماه کودک و نوجوان  
بهمن ۱۳۸۸

این دو صفحه ۵۰ مورد ارجاع به منابع دارند.

## ۶- ۱. نقدی بر این دو صفحه

در یکی از تصاویر، چهار برگه‌ی کهنه‌شده وجود دارد که دو نقل از آیاتی در تورات درباره‌ی پدید آمدن امتی از نسل اسماعیل است. مأخذ آن دو چنین نقل شده است: «سفر پیدایش، باب ۱۸، بند ۱۹» که درست آن، «سفر پیدایش، باب ۱۷، بند ۲۰» و «سفر پیدایش، باب ۱۸، بند ۱۸» است.

## ۷. صفحات «عیسی علیه السلام»

این دو صفحه، داستان زندگی حضرت عیسی(ع) است تا زمانی که خداوند آن حضرت را به آسمان برد و پیش از آن وصی خود شمعون(ع) را به امر خداوند معرفی کرد. هم‌چنین بیان حکمتی از خداوند که بر اساس آن، کسی را در گهواره و کسانی را در سنین کودکی تا چهل سالگی توان پیامبری یا رهبری می‌بخشد.

در این دو صفحه، یک تابلوی نقاشی از میوه‌هایی تازه به عنوان میوه‌هایی که برای حضرت مریم(س) نازل می‌شد؛ تابلویی از شام آخر عیسی(ع) و حواریان؛ تصویری از شخصی شبیه عیسی(ع) بر صلیب و تصویر دیگری از خروج حضرت عیسی(ع) به آسمان را می‌بینیم. در کنار این تصویر، کتابی گشوده آمده است که بخش‌هایی از انجیل یوحنا و انجیل لوقا را در خود دارد که حاوی سخنانی از عیسی(ع) درباره‌ی آمدن "تسلی‌دهنده" و "پسر انسان" است. در پایین دو صفحه‌ی کتاب، توضیحاتی درباره‌ی کلمه‌ای آمده است که به غلط "تسلی‌دهنده" معنی می‌شود و ترجمه‌ی درست آن «ستوده» است که با نام پیامبر اسلام تطبیق دارد. هم‌چنین توضیحی درباره‌ی مصداق‌هایی از "پسر انسان" می‌خوانیم که با مشخصات مهدی موعود(ع) مطابقت می‌یابد. حاشیه‌هایی نیز درباره‌ی وعده‌ی عیسی(ع) به آمدن "احمد" و فضیلت پیامبر اسلام بر انبیای پیشین و نماز خواندن عیسی(ع) در پشت سر مهدی(عج) و شرح عکسی درباره‌ی به دار نکشیدن عیسی واقعی و حاشیه‌ای دیگر درباره‌ی نحوه‌ی خلقت عیسی(ع) آمده است.

این دو صفحه ۳۱ مورد ارجاع به منابع دارند.

## ۷- ۱. نقدی بر این دو صفحه

در این دو صفحه، سه مشکل پانویشت، دو مشکل املائی و یک مشکل دستوری وجود دارد. دو مورد از استنادها به انجیل که یکی "انجیل یوحنا ۲۷/۱۵" و دیگری "انجیل لوقا ۳۵/۱۲ و ۳۶" ذکر شده درست نیستند. درست آن‌ها به ترتیب چنین است: «انجیل یوحنا ۲۶/۱۵» و «انجیل لوقا ۳۵/۱۲ و ۴۰». نام «قاموس کتاب مقدس» نیز به تسامح "قاموس مقدس" ذکر شده است.

اما دو مشکل املائی در کلمه‌ی «قانونگذار» است که در مورد به غلط "قانونگزار" نوشته شده است.



مشکل دستوری نیز مربوط به کاربرد نادرست وجه وصفی است: "روزی خواهد رسید که مسیح علیه‌السلام در شام فرود آمده و در نماز به حضرت مهدی علیه‌السلام اقتدا نماید."

بر اساس قاعده‌ی کاربرد وجه وصفی، این جمله باید به صورت آتی نوشته شود: «روزی خواهد رسید که مسیح علیه‌السلام در شام فرود آمده، در نماز به حضرت مهدی علیه‌السلام اقتدا نماید.» زیرا به کارگیری «و» بعد از وجه وصفی زمانی درست است که فعل جمله‌ی بعد از «و» با فعل مرتبط با وجه وصفی (قبل از «و») سازگار باشند. در این‌جا فعل «نماید» با «فرود آمده» ترکیب «فرود آمده نماید» می‌سازند که ترکیبی نادرست است.

در هر حال، بنا به توصیه‌ی اهل ادب، در نثر معاصر نباید تا جایی که ممکن است، این گونه کاربرد قدیمی وجه وصفی را به کار برد. بهتر است جمله‌ی مورد بحث به این صورت نوشته شود: «روزی خواهد رسید که مسیح علیه‌السلام در شام فرود آید و در نماز به حضرت مهدی علیه‌السلام اقتدا نماید.»

## ۸. صفحات «رحمت عالمیان»

این دو صفحه به زندگانی رسول اکرم(ص) از تولد تا رحلت و سیره‌ی عملی و اخلاقی آن حضرت اختصاص دارد. تأکید این مطالب بر تحقق وعده‌های انبیای پیشین درباره‌ی آن حضرت است. پس زمینه‌هایی از گل‌های رز و تابلوها و عکس‌هایی از دربار پادشاه یمن؛ قلعه‌هایی به نشانه‌ی قلعه‌های یهودیان مدینه؛ دیری به نشانه‌ی دیر بحیرا (راهب مسیحی)؛ کاروانی از مسیحیان حبشه و جواهراتی به نشانه‌ی کلیه‌ی گنج‌های زمین که پیامبر(ص) آن‌ها را نپذیرفت، از تصاویری هستند که با شرح عکس، در این دو صفحه جا دارند. یک بروشور ۱۲ صفحه‌ای آکوردثونی (چند لت) به صفحه‌ی سمت چپ چسبیده است که تقریباً در هر صفحه‌ی آن شرح جنگی از غزوات پیامبر اسلام(ص) به همراه تصویری است نمادین از صحنه‌ی جنگ یا ابزار و ادوات یا اسب جنگی.

این دو صفحه ۴۵ مورد ارجاع به منابع دارند.

### ۸ - ۱. نقدی بر این دو صفحه

نخستین مشکلی که در این دو صفحه به چشم می‌خورد، اروپایی بودن تصویرهاست که در آغاز مقاله به آن اشاره شد. فضای تصویری این دو صفحه، حتی در گل‌های رز، نشانی از سرزمین عربستان ندارد. برخی اشکال‌های املائی نیز در این دو صفحه به چشم می‌خورند. از اشکال‌های املائی باید به این مورد اشاره کرد: "بنیان‌گزار" با این املا درست نیست. درست، «بنیان‌گذار» است. "دو فرماندهی دیگر" نیز درست نیست. درست، «دو فرمانده دیگر» است زیرا حرف «ه» در «فرمانده» مملوفاست نه غیر مملوفاست.

سید سکه در قلم و سبک مکتوب فرود آمد...  
او در بارگشت از سفر شام در مدینه در گذشته و همان‌جا به خاک سپرده شده بود... این فرزند بنا بر اتمام پرونده‌ها، از جسدش و پیکر محقق و احیاء یافته شد...  
او در بارگشت از سفر شام در مدینه در گذشته و همان‌جا به خاک سپرده شده بود... این فرزند بنا بر اتمام پرونده‌ها، از جسدش و پیکر محقق و احیاء یافته شد...  
او در بارگشت از سفر شام در مدینه در گذشته و همان‌جا به خاک سپرده شده بود... این فرزند بنا بر اتمام پرونده‌ها، از جسدش و پیکر محقق و احیاء یافته شد...



اسامی خاص هم نیازمند اعراب‌اند.

### ۹. صفحات «قرآن کریم»

این دو صفحه، معرفی قرآن کریم به عنوان کتابی الهی و معجزه‌های تحریف‌نشده است به خلاف تورات و انجیل که هیچ‌کدام متن کتاب آسمانی نیستند بلکه بعدها به وسیله‌ی حواریان یا عالمان - حتی گاه بین سیصد تا هزار سال پس از درگذشت پیامبرشان - به تحریر درآمده‌اند. فهرستی از توصیه‌های قرآن به انسان‌ها از بخش‌های مفید این دو صفحه است. قضاوت ولید بن مغیره درباره‌ی قرآن نیز خواندنی است. در این دو صفحه، تصویری نمادین از نزول قرآن بر کوه با شرح عکس؛ دستی که با خط کوفی می‌نویسد؛ قرآنی به خط نسخ با سرلوحه‌هایی به خط ثلث؛ تصویری از یک تسبیح؛ تصویر دو ورق، یکی در معرفی تورات امروزین و تاریخیچه و اشکال‌های محتوایی آن و دیگری در معرفی انجیل‌های امروزین و تاریخیچه و اشکال‌های محتوایی آن‌ها به چشم می‌خورد.

کتابچه‌ای با ۷ صفحه‌ی خواندنی و جلد به صفحه‌ی سمت چپ چسبیده است. این کتابچه که عنوان "القرآن الکریم" را بر جلد خود دارد، به معرفی بیشتر قرآن و ملاحظات تفسیری آن می‌پردازد و هم‌هی عنوانین آن مستند به آیات و روایاتی است. این دو صفحه، ۸۶ مورد ارجاع به منابع دارند.

### ۹-۱. نقدی بر این دو صفحه

دو اشکال، یکی املائی و یکی دستوری در این دو صفحه به چشم می‌خورند که هر دو در کتابچه‌ی مربوط به معرفی قرآن‌اند. یکی واژه "توجه‌اش" که درست آن چنین است: «توجهش» چرا که «ه» در «توجه» مملو است. دیگر، واژه‌ی "فرامین" است. با توجه به فارسی بودن کلمه‌ی «فرمان»، جمع مکسر آن جایز نیست. جمع درست آن «فرمان‌ها» است.

### ۱۰. صفحات «نخستین جانشین»

متن و حواشی این دو صفحه به ماجرای زندگی امیر مؤمنان علی(ع) از تولد تا ماجرای غدیر خم و ذکر فضایل و ویژگی‌ها و فداکاری‌هایی می‌پردازد که او را به هم‌هی افراد امت برتری می‌بخشد و سبب آن است که خداوند، او را برای جانشینی پیامبر اسلام(ص) معرفی کرده است.

این دو صفحه با زمینه‌هایی با گل‌های رُز صورتی، به تصویری از مسیحیان نجران (مرتبط با ماجرای مباحله)؛ تصویری نمادین از جنگ احد؛ تصویری از علی(ع) در راه مکه برای ابلاغ آیات سوره‌ی بقره؛ و تصویر مبهم گروهی در حال توطئه علیه آینده‌ی اسلام، همه با شرح عکس آمده است. کتابچه‌ی بیاضی با عنوان "بسم‌الله... و" دوازده جانشین پیامبر" به صفحه‌ی دوم این بخش چسبیده است. این کتابچه بجز جلد، ۱۲ صفحه دارد و هر صفحه به همراه تصویری، به معرفی یکی



از امامان می‌پردازد.

این دو صفحه دارای ۴۷ مورد ارجاع به منابع است.

### ۱۰ - ۱. نقدی بر این دو صفحه

یک مورد مشکل کاربرد نادرست وجه وصفی در این دو صفحه به چشم می‌خورد: «تنها علی در میدان مانده و از جان پیامبر دفاع می‌کرد.» که درست آن چنین باید باشد: «تنها علی در میدان مانده، از جان پیامبر دفاع می‌کرد.» و چنان که گفته شد، در نثر امروزی، باید آن را بدین‌گونه نوشت: «تنها علی در میدان مانده بود و از جان پیامبر دفاع می‌کرد.» در کتابچه‌ی بیاضی که حاوی معرفی دوازده امام است، برخی اشکال‌ها در املا و نقطه‌گذاری به چشم می‌خورد. نام «علی بن یقظین»، در بخش معرفی امام هفتم، یک جا به همین صورت و در تکرار به صورت «علی ابن یقظین» آمده که مورد اول درست است. در معرفی دهمین امام(ع)، حذف علامت نقل قول میان سخن امام(ع) و سخن مرد اصفهانی (راوی) مایه‌ی اشتباه میان مرز این دو سخن شده است. در معرفی امام یازدهم(ع)، املا «بیاندیشند» به صورت «بیندیشند» درست است (الف در وصل به «ب» زینت، قلب به «ی» می‌شود).

از نگاه محتوایی، نقل مرتبط با معرفی یازدهمین امام(ع) نیازمند بررسی در سند و متن و جایگزینی روایت دیگری به جای آن است. پوسیده شدن جسد یک پیامبر و سیاه بودن استخوان او که پیام ضمنی و غیر مستقیم روایت است، جای بحث دارد.

### ۱۱. صفحات «آخرین جانشین»

در این دو صفحه، داستان زندگی مادر امام زمان(ع) و ماجرای تولد تا غیبت کبرا و نوید ظهور مهدی موعود(عج) آمده است. تصاویری از شهر سامرا؛ کارگزاری از سوی امام هادی(ع) برای خرید نرگس (مادر امام زمان-ع)؛ مأموری بر در خانه‌ی حضرت عسکری(ع)؛ مردی به عنوان نایب امام زمان(عج)؛ چند تن به هنگام دعا برای تعجیل فرج و نامه‌ی طومارمانند از امام زمان(عج) به علی بن محمد سمری که در آن آغاز غیبت کبرا اعلام می‌شود با شرح عکس، در این دو صفحه آمده است.

یک بروشور آکوردثونی (چند لت) بر صفحه‌ی سمت چپ چسبیده است که در صفحه‌ی جلد آن تصویری از تابلوی نقاشی گل و گلدان دیده می‌شود. چهار صفحه نوشته‌ی داخل آن، خلاصه‌ای از وضعیت جهان در دوران ظهور را ترسیم می‌کند. این دو صفحه ۳۰ مورد ارجاع وجود به منابع دارد.

### ۱۱ - ۱. نقدی بر این دو صفحه

یک مورد اشتباه املائی - نگارش «عسکری» به صورت غلط «عسگری» - در این دو صفحه به چشم می‌خورد.

حکیمه تا سپیددمه مراتب ترکس بود و او با آرامش در کنارش خوابید و  
تسج حرکتی نمی‌کرد. حضرت ترکس بوی پخته‌شده روم و از نسل شمعون، یکی از  
حوازیون حضرتنا مسیح بود. بود.  
او با الهام پروردگار، با لباس منبل و به صورت فریدی نشان، با سپاه روم که به  
قصد جنگ با سپاهیان اسلام حرکت می‌کرد، همراه گردید چون مسلمانان پیروز شدند، به اسارت مسلمانان درآمد و آن‌ها  
او را همراه با کاروان اسیران به بغداد آوردند.  
امام هادی  $\text{ع}$  یکی از کله گزبانان مورد اعتماد خود را خوبانند، او را با نامه‌ای که به زبان رومی نوشته بودند، به دنبال  
حضرت ترکس فرستادند. آن مرد می‌بایست ابتدا نامه را به حضرت ترکس بدهد، سپس ایشان را خرید، به خانه‌ی امام  
برساند. چون حضرت ترکس در مقابل حضرت هادی  $\text{ع}$  قرار گرفت، امام آن چه را که به او الهام شده بود، یادآور شدند.  
به این ترتیب باوقای چون، با شنیدن اخبار غیبی که جز خودش هیچ‌کس از آن باخبر نبود، آرامش یافت. آن وقت امام دهم  
 $\text{ع}$  او را به خواهر خود، حکیمه که از شخصیت‌های ارجمند خاندان امامت بود، سپردند تا ادب و احکام اسلامی را به  
او بیاموزد و مدتی بعد ترکس که او را سوسمن و صیقل نیز صدا می‌زدند، به هسری امام یازدهم  $\text{ع}$  درآمد.  
خلفه‌ی ستمگر عباسی، حضرت هادی و حضرت عسکری  $\text{ع}$  را به منطقه‌ی نظامی شهر فر سمرقند که در آن روزگار  
مرکز حکومت عباسیان بود، آورد و آن بزرگواران را به شمت زیر نظر گرفت. او می‌دانست که امام یازدهم  $\text{ع}$  پدر مهدی  
موعود خواهد بود. پدر دوازدهمین جانشین آخرین پیامبر، او از قول پیامبر و سایر امامان بزرگوار شنیده بود که امام  
دوازدهم  $\text{ع}$  ریشه‌ی ظالمان را بر می‌کند و عدالت و امنیت را در سراسر جهان برقرار می‌سازد. به همین دلیل، به شدت  
از حضرت مهدی  $\text{ع}$  وحشت داشت و در صدد نابودی آن حضرت بود. به همین خاطر، علاوه بر مأموران مستعدی که  
به بهانه‌های گوناگون، گله و بی‌گانه به خانه‌ی امام می‌فرستاد، مأموری دانشی بر خانه‌ی آن حضرت گمارده بود تا او را از  
وجود مهدی  $\text{ع}$  باخبر سازد. اما همنه آن‌ها به او اطمینان می‌دادند که چنین کسی وجود ندارد!  
دور پنج شنبه، مثل بسیاری از روزهای دیگر، حکیمه به خانه‌ی امام عسکری  $\text{ع}$  آمد و پس از دیدار ایشان به هنگام  
غروب، قصد بازگشت نمود. امام یازدهم او را خواستند شب را نزد ایشان مانند حضرت عسکری  $\text{ع}$  به صحنه‌ی خود، خبر  
شگفت انگیز به دنیا آمدن موعود را در آن شب دادند.  
حکیمه چگونه می‌توانست باور کند؟! اثری از حاملگی در ترکس مشاهده نمی‌شد. امام چون شگفتی او را مشاهده کردند،  
به او یادآور شدند که ترکس، مانند مادر موسی است که حاملگی‌اش فقط هنگام زایمان آشکار شد و فرزندی نیز چون  
موسی است که فرعونیان زمان در جستجوی بودند.  
شب آرام آرام سپری می‌شد. سکوت همه‌جا را فرا گرفته بود. ماه، پر نور و درخشان می‌تابید و حکیمه هم‌چنان به ترکس  
می‌نگریست. ناگهان خبر لظظات پاهای شب، به هنگام طلوع فجر، ترکس خراسان از جای برخاست. حکیمه در حالی که نام  
خدا بر لبش جاری بود، او را در آغوش کشید و آحوالش را چو باران آنگاه رفته رفته، او را رها ساخت. حاله‌ی از نور ترکس  
را در خود پروردگار، حکیمه قلب به دیدار او نبود. وحشت سزایش را ترکفت. به خوبی امام عسکری  $\text{ع}$  شناخت

## ۱۲. صفحات «تاریک‌ترین لحظه‌ها»

در این دو صفحه، در پس‌زمینه‌ی خاک‌های ترک‌خورده‌ی کویری خشک، مروری بر وعده‌های پیامبران و انبیای الهی برای آمدن رسول بعدی و آن‌گاه خبر خاتم پیامبران بر غیبت و ظهور خاتم جانشینانش آمده است. فهرستی از مشخصات کاملی که یک شخص موعود را با آن‌ها می‌تواند بشناسد، در این صفحات آمده است. آن‌گاه حدود ۶۰ خبر از اخبار دوران پیش از ظهور را به طور خلاصه می‌خوانیم.

در این دو صفحه، به جای هر طرح و تصویر تزئینی یا تخیلی، تصاویری واقعی از این دوران را می‌بینیم. آسمان تیره؛ سربازی در حال شلیک با سلاحی پیشرفته؛ شمشیری خون‌آلود؛ تفنگی قدیمی؛ چند پلیس ضد شورش در حال کتک‌زدن یک تظاهرکننده؛ تظاهراتی آشفته و خون‌آلود؛ کودکانی گرسنه؛ دخترانی نوجوان در حال ضجه و گریه؛ دو سرباز بر یک تانک؛ انبوهی از سربازان بر تانکی دیگر؛ مرقد ویران‌شده‌ی یک امام بر اثر بمب‌گذاری؛ دو مأمور ضد اغتشاش که دست تظاهرکننده‌ای را می‌پیچند؛ آتش یک انفجار؛ سربازانی از عصر ناپلئون تا امروز؛ آسمان خراش‌های یک کلان‌شهر آمریکایی؛ مردی با زنی و سگ‌هایشان؛ باز هم تانک و...

یک بروشور چهارصفحه‌ای که از بالا ورق می‌خورد نیز به صفحه سمت راست چسبیده است. جلد آن شکوه‌ای به عربی از طول انتظار است. متن، در دو صفحه، وظایف منتظران و دشواری‌های پیش روی آن‌ها و فضیلت ثابت ماندن بر ایمان و پاکی و دوستی اولیای خداوند را بر اساس روایاتی بیان می‌کند.

این دو صفحه، ۸۵ مورد ارجاع به منابع دارند.

### ۱۲ - ۱. نقدی بر این دو صفحه

نقد عمده‌ای که بر این دو صفحه وارد است، به بخش «نمونه‌هایی از اخبار پیش از ظهور» مربوط می‌شود. در این بخش حدود ۶۰ روایت و خبر به طور فشرده و در کنار یکدیگر نقل شده‌اند که اگر بدون شناخت درست از آن‌ها، بدون تفسیر و توضیح یا بدون تفکیک به آن‌ها پرداخته شود، ذهنیاتی را برای خواننده پدید خواهد آورد که ممکن است درست و مطلوب نباشند. از آن‌جا که این دو صفحه، مرکز ثقل و مقصد دیگر بخش‌ها و بحث‌ها و صفحات این کتاب‌اند؛ از آن‌جا که تاکنون در حوزه‌ی نگارش مهدوی برای کودک و نوجوان، به ملاحظات و حساسیت‌های مراجعه و بازنگاری روایات مرتبط با آخرالزمان پرداخته نشده است؛ از آن‌رو که رعایت نکردن این ملاحظات، مایه‌ی توهماتی بسیار حتی در حوزه‌ی نگارش مهدوی برای بزرگسالان نیز شده است؛ و به این دلیل که بستن راه این توهمات از دوران نوجوانی، مانع بروز مشکلات دوران بزرگسالی خواهد بود، ضروری است فصلی را به ملاحظاتی در بررسی اخبار آخرالزمان اختصاص دهیم:



## [ملاحظات در بررسی اخبار آخرالزمان]

بنا بر نقل حدیث پژوهان، قریب به شش هزار روایت درباره‌ی آخرالزمان و متعلقات آن از پیشوایان معصوم (ع) نقل شده است که این مجموعه‌ی گسترده، علاوه بر آگاه نمودن مخاطب مسلمان، به‌ویژه شیعه نسبت به اهمیت موضوع، پرسش‌هایی را فراروی او قرار می‌دهد؛ از جمله این‌که چه‌گونه باید از این مجموعه‌ی عظیم بهره گرفت. در پاسخ به این مهم، نخستین گام، فهم معنای «آخرالزمان» و ارزش‌گذاری اخبار و روایات رسیده است و آن‌گاه ملاحظات درک مفهوم، مصداق و پیام این روایات داشت.

### ۱۲-۱-۱. مفهوم و مصداق آخرالزمان

آخرالزمان از نگاه آن معنی لغوی که بر اساس ترکیب دو مفهوم «آخر» و «زمان» استخراج شود به قطعه‌ای از انتهای زمان زمینی اطلاق می‌شود که به انتهای زمان زمینی پیوسته است. بنابراین بدون در نظر گرفتن چیزی دیگر، بر این اساس، باید مصداق آن را بخشی از زمان زمینی دانست که پس از گذار از نقطه‌ی میانی عمر زمین، متعلق به انتهای عمر زمین است.

اگر انتهای عمر زمین را هنگام قیامت، یعنی زمانی در نظر بگیریم که زمین - به تعبیر قرآن کریم - چیزی دیگر غیر زمین خواهد شد، مصداق این معنی لغوی آخرالزمان، بخشی از نیمه‌ی دوم عمر زمین خواهد بود که به قیامت متصل است.

اما در اصطلاح، آخرالزمان به مصداق‌هایی محدود شده و در آن مصداق‌ها معنی متبادر خود را یافته است:

۱. قطعه‌ای از عمر زمین که پس از بعثت پیامبر اسلام (ص) قرار دارد؛ دورانی از عمر زمین در فاصله‌ی بعثت حضرت ختمی مرتبت تا برپایی قیامت.

تعبیر "پیامبر آخرالزمان" که از زبان انبیای پیشین برای آخرین پیامبر نقل شده است، اگر بخواهد ارتباطی با معنی لغوی داشته باشد، گویای این حقیقت خواهد بود که در هنگام بعثت آخرین پیامبر (ص)، دست کم نیمی از عمر زمین باید گذشته باشد.

۲. قطعه‌ای از عمر زمین که پس از آغاز غیبت تا قیامت، پس از ظهور تا قیامت یا پس از غیبت تا قیامت قرار دارد. معنی لغوی، این مصداق‌ها را می‌پذیرد.

۳. قطعه‌ای از عمر زمین که در (۱) فاصله‌ای قبل از ظهور، (۲) متصل به ظهور و (۳) نزدیک به ظهور است. این مصداق و معنی و مفهوم اصطلاحی، گرچه سازگاری چندانی با معنی لغوی ندارد، اما پُرکاربردترین و متبادرترین معنی و مفهومی است که ترکیب «آخرالزمان» برای منتظران ظهور دارد. به عبارت دیگر و در اصطلاح مبحث الفاظ فن منطق و علم اصول، این معنی مجازی - آن هم مجازی دورتر از دیگر معانی مجازی «آخرالزمان» - مجاز شایعی است که معنی حقیقی یا حقیقتی در عرف شیعیان دوازده امامی یافته است؛ آن‌چنان مجازی شایع و متبادر که معنی حقیقی را به پس می‌راند و آن را به جایگاه مجاز می‌نشانند.

در این مقاله، هر جا سخن از آخرالزمان - بدون هیچ قیدی - رود، منظور همین معنی شایع و متبادر در عرف معتقدان به ظهور حضرت مهدی موعود خواهد بود.

### ۱۲-۲-۲. معنی «نزدیک به ظهور»

در تعریف سوم - تعریف مورد نظر خود - از آخرالزمان و به عبارت دیگر، در تعریف مصداق سوم آخرالزمان، سه شرط برای مصداق این قطعه از زمان برشمردیم:

۱. قبل از ظهور،

۲. متصل به ظهور،

۳. نزدیک به ظهور.

دو شرط اول، نیازی به توضیح یا قرارداد ندارند. اما شرط سوم، تا حدودی مبهم است. «نزدیک» - همانند «دور» - مفهومی نسبی است و بدون تعیین مبدأ و معیاری برای سنجش آن، نمی‌توان آن را از ابهام خارج ساخت. طبیعی است که هر تعریف یا هر قرارداد نیز باید خالی از ابهام باشد.

آن چه در این مقاله برای قید «نزدیک» در مفهوم «نزدیک به ظهور» برای ایجاد دقت در ترکیب «آخرالزمان» تعریف یا قرارداد می‌کنیم، مدت زمانی حداکثر به اندازه‌ی متوسط عمر طبیعی شیعیان که‌نسال قبل از ظهور است.

این محدوده‌ی زمانی را بر اساس یک نیاز کاربردی و کارکردگرایانه تعریف یا قرارداد می‌کنیم. توجه کنیم که معتقدان به ظهور و منتظران آن، از آن رو توجه ویژه به آگاهی از اخبار آخرالزمان دارند که:

۱. در مرتبه‌ی نخست، متوجه شوند که آیا زمان ظهور را درک خواهند کرد؟ به عبارت دیگر، آیا نشانه‌ای بر اساس این اخبار در مدت عمر خود می‌توانند بیابند که بشارت درک هنگام ظهور قبل از مرگشان را به آن‌ها بدهد؟

۲. در مرتبه‌ی بعد، اگر دریافتند که ظهور امام موعود، در دوران عمر آن‌ها اتفاق خواهد افتاد، بر پایه‌ی این اخبار بتوانند

موضع و وظیفه و تکلیف خود را در سال‌های پیش از ظهور دریابند.

۳. سپس حتی اگر امید به ظهور امام موعود در دوران عمر خود ندارند، بر اساس این اخبار بتوانند موضع خود را در برابر حوادث، وقایع و رخداد‌های عصر غیبت تعیین کنند و وظایف و تکالیف خود را در این دوران بشناسند.

آن دو نیاز نخستین — یعنی تشخیص درک زمان ظهور و شناخت وظایف و تکالیف خود در سال‌های پیش از ظهور — بیشترین انگیزه‌ی مؤمنان برای بررسی آیات و روایات مرتبط با ظهور است.

بر اساس این نیاز، این دیدگاه و این انتظار از اخبار آخرالزمان، مفهوم رخدادی «نزدیک» به وقت ظهور را چنین باید تعریف یا قرارداد کنیم:

رخدادی «نزدیک» به ظهور است که اگر در زندگی انسانی رخ دهد، آن انسان مطمئن باشد که قبل از مرگ خود، ظهور را خواهد دید. بیشترین فاصله میان این رخداد و ظهور چنین تعیین می‌شود که فرض کنید شخصی که هشتاد سال (عمر متوسط شیعیان مؤمن کهنسال قبل از ظهور) عمر خواهد کرد، در دوران کودکی خود یکی از این رخدادها را درک کند. او باید مطمئن باشد که ظهور را قبل از مرگ خویش درک خواهد کرد.

ملاحظه می‌کنید که با این تعریف یا قرارداد، تعیین حداکثر ۸۰ سال فاصله میان یک رخداد آخرالزمانی با هنگام ظهور، معقول می‌نماید.

بنابراین، رخدادهایی «نزدیک به ظهور» تعریف یا قرارداد می‌شوند که حداکثر ۸۰ سال با ظهور فاصله داشته باشند.

### ۳-۱-۱۲. تعریف اخبار آخرالزمان

اخبار آخرالزمان به آن دسته از اخباری اطلاق می‌شوند که موضوع آن‌ها مرتبط با زمانی قبل از ظهور، متصل به ظهور و نزدیک به ظهور است.

بر پایه‌ی این تعریف یا قرارداد، می‌توان تعیین کرد که چه اخباری که موسوم به اخبار آخرالزمان‌اند، به واقع اخبار آخرالزمان هستند یا نیستند. به عبارت دیگر، از طریق این تعریف می‌توان تعیین کرد که چه اخباری مرتبط با زمانی نزدیک به ظهور (با قرارداد یا تعریفی که پیش از این آمد) هستند یا نیستند.

### ۴-۱-۱۲. تعریف «اخبار»

«اخبار» جمع «خبر» است. «خبر» در اصطلاح علم حدیث، از یک جهت مترادف با «حدیث»، «سنت» و «روایت» است. حدیث، سنت یا روایت به قول (سخن)، فعل (کار و عمل) و تقریر (سکوت تأییدآمیز) معصوم اطلاق می‌شود.

اما از جهت دیگر، در علم حدیث، خبر به هر سخنی اطلاق می‌شود که از ناحیه‌ی معصوم یا غیر معصوم رسیده باشد. این معنی مترادف با «نقل» و «اثر» است.

«خبر» در معنی لغوی و غیراصطلاحی خود، هر سخنی است که حکایت از واقعه‌ای خارجی کند اعم از آن که مطابق با واقع باشد یا نباشد، و اعم از این که این سخن از ناحیه‌ی انسانی صادر شده باشد یا وجودی غیر انسانی.

بر این اساس، آن دسته از سخنان خداوند نیز که حکایت از واقعه‌ای خارجی می‌کنند، خبرند؛ اعم از آن که در کتابی آسمانی یا به صورت حدیثی قدسی آمده باشند.

به همین نحو، هر سخنی که حکایت از واقعه‌ای خارجی کند — گوینده‌ی آن هر که می‌خواهد باشد — خبر است.

مروری در آن چه به عنوان اخبار آخرالزمان شناخته می‌شوند، نشان می‌دهد که گویندگان این خبرها اعم از معصوم یا غیر معصوم و اعم از انسان یا فراتر از انسان‌اند.

### ۵-۱-۱۲. ارزش خبر

ارزش هر خبر به راست بودن آن است. راست بودن خبر یعنی مطابق بودن مضمون خبر با آن رخداد خارجی که مضمون خبر حاکی از آن است.

### ۶-۱-۱۲. احراز راستی خبر

راستی خبر از چند طریق قابل احراز است:

۱-۶-۱-۱۲. تطابق خبر با رخداد خارجی. می‌توان مضمون خبر را با رخداد خارجی مرتبط با آن تطبیق داد و به راستی یا ناراستی آن پی برد. اما این روش همیشه امکان‌پذیر نیست. به‌ویژه درباره‌ی خبرهای مرتبط با آینده، این آزمون به تعبیری با روش‌های عادی غیر ممکن است.

۲-۶-۱-۱۲. صدور خبر از مخبر صادق. بنا به اعتقاد مسلمانان به‌ویژه شیعیان، انسان‌هایی هستند که معصوم از خطا در عمل از جمله در گفتارند و راستی خبر آن‌ها را می‌توان و باید باور داشت. به اعتقاد شیعه، این انسان‌ها منحصر به چهارده معصوم‌اند. خبر خداوند نیز همواره راست است.

### ۷-۱-۱۲. سندیت و استناد خبر

با توجه به آن چه آمد، چه امکان تطابق خبر با رخداد خارجی باشد چه نباشد، خبر خداوند و معصوم، به خودی خود راست

و حجت است. مفهوم مخالف این سخن آن که خبر غیر خداوند و غیر معصوم، ممکن است راست و ممکن است دروغ باشد. به عبارت دیگر، به صرف احراز صدور سخنی از خداوند و معصوم می‌توان به درستی آن اطمینان داشت اما این اطمینان نسبت به سخن موجودات دیگر نیست.

آن گروه از معاصران پیامبر و دیگر معصومان که توفیق مواجهه با آن‌ها را داشتند، سخن راست را از مخبر صادق می‌شنیدند و تردیدی در راست بودن آن نداشتند. اما معاصران معصومان یا نسل‌های بعدی که توفیق شنیدن خبری از زبان آنان را نمی‌یافتند، خبر را با واسطه‌ی راویان و ناقلان خبر دریافت می‌کردند؛ راویان و ناقلانی که آگاهی از عدم عصمت آن‌ها کافی بود که شنونده دانا و فهیم را به تردید اندازد که آیا این سخن منسوب به معصوم، واقعاً از معصوم است یا نه؟

این‌جا بود که بحث راست‌گویی و مورد اطمینان بودن راویان پیش آمد و منشأ پیدایش علم رجال در میان دانش‌های دینی شد به ویژه آن‌که بسیار بودند آن‌ها که چیزی را از خود می‌ساختند و به معصوم نسبت می‌دادند. اخبار آخرالزمان نیز از این واقعیت مستثنا نبودند و نیستند. بسیاری نقل‌ها که در زبان مردمان و گویندگان جریان دارند مستند به هیچ منبعی نیستند چه رسد به این‌که به منابع معتبر متکی باشند. بسیاری خبرهایی که در منابع مکتوب وجود دارند اما معتبر نیستند. کمابیش حتی در منابع معتبر نیز اخباری یافت می‌شوند که راویان معتبری ندارند و اطمینان به صحت صدور آن‌ها از معصوم نیست.

همه‌ی این‌ها این ضرورت را به هر پژوهشگر یا مؤمن فهیم و معتقد به ظهور مهدی موعود گوش‌زد می‌کند که برای دستیابی به اخبار آخرالزمان و بهره‌گیری از آن‌ها باید تنها و تنها به نقل‌هایی معتبر و مستند تکیه کند که از طریق موثق و قابل اطمینان، به حقایق علمی به‌ویژه به سرچشمه‌های الهی علم می‌رسند.

### ۱۲-۱-۸. دلالت خبر

در پی اطمینان از صدور خبری از زبان معصوم یا کلام الهی، درک و دریافت درست مضمون خبر دارای اهمیتی بسیار است. درباره‌ی اخباری که گمان برده می‌شود از اخبار آخرالزمان باشند، توجه به نکاتی چند راه‌گشای درک بهتر آن‌ها و دریافت مصداق‌ها و رخداد‌های خارجی مرتبط با آن‌هاست:

**۱۲-۱-۸-۱. آینده در گذشته:** برخی از این اخبار، مرتبط با رخداد‌های آینده، نسبت به زمان صدور خویش‌اند. به عبارت دیگر، معصوم، خبر از رخدادی در آینده‌ی نزدیک یا دور نسبت به زمان خویش می‌دهد. این آینده ممکن است از چند روز تا چند هفته، چند ماه، چند سال یا چند قرن را در بر بگیرد بی‌آن‌که لزوماً ارتباطی با هنگام ظهور یا زمان‌هایی نزدیک به آن‌ها داشته باشد.

با نگاهی دیگر، رخداد‌های مرتبط با این خیرها ممکن است سال‌ها یا قرن‌هایی پیش اتفاق افتاده باشند و نسبت به زمان



ما، خبری مرتبط با گذشته باشند.

بررسی تاریخ پس از صدور این اخبار تا زمان حال می‌تواند مصداق‌هایی برای رخ دادن این خبرها را در زمان گذشته به دست ما بدهد.

**۱۲-۸-۲. آینده در حال.** به همین نحو برخی از این اخبار هستند که رخداد آن‌ها تا زمان حال پیش نیامده است و نسبت به زمان ما نیز مرتبط با آینده‌اند اما باز هم لزوماً ارتباطی با هنگام ظهور یا زمان‌هایی نزدیک به آن ندارند. در واقع، ممکن است این اخبار بی‌آن‌که ارتباطی با ظهور امام زمان (عج) داشته باشند، حاوی اخبار و رخدادهایی باشند که در آینده پیش خواهند آمد.

**۱۲-۸-۳. آخرالزمان.** صد البته برخی از این رخدادها ذکر شده در روایات ممکن است مرتبط با زمان‌های نزدیک به ظهور یا مقارن ظهور باشند. این‌ها هستند که در واقع از اخبار آخرالزمان - با تعریفی که پیش از این داده شد - به شمار می‌آیند.

**۱۲-۸-۴. جغرافیای رخدادها.** برخی از رخدادها (چه مرتبط با گذشته، چه آینده و چه آخرالزمانی) ممکن است مرتبط با بخشی از جهان - چه شهر و منطقه‌ای کوچک چه پهنه‌ای از جهان - باشند. تعیین محدوده جغرافیایی این رخدادها نیز همانند تعیین محدوده‌ی زمانی آن‌ها مهم است.

**۱۲-۸-۵. تشابه رخدادها.** ابهام و ایجاز و کوتاهی برخی از اخبار، مضمون خبر را قابل تطبیق بر موارد متعدد و مشابه در طول تاریخ می‌سازد. با درک این واقعیت باید توجه داشت که به صرف پدید آمدن نشانه‌هایی قابل تطبیق با یک خبر، نباید آن را به عنوان مصداق یا تنها مصداق خبر مطرح ساخت. چه بسا مواردی مشابه آن در گذشته اتفاق افتاده باشد یا در آینده رخ دهد.

به‌ویژه در موارد اجمال، تعیین آن که مصداق خبرهایی، در گذشته وجود داشته یا مصداقی که می‌پنداریم زمان آن گذشته است، در آینده خواهد بود، نیازمند تحقیق بسیار است.

**۱۲-۸-۶. تشابه اسامی.** شباهت اسامی مکان‌های مختلف در جهان و اسامی افراد، یکی از مواردی است که خوانندگان اخبار آینده را به اشتباه می‌اندازد. نگاهی به کتاب‌های جغرافیایی و اسامی قدیم و جدید شهرها و مناطق، نشان می‌دهد که چه بسا براند شهرها، روستاها و مناطقی در جهان که نام‌های مشابه دارند. به همین نحو افرادی در تاریخ با نام‌ها یا لقب‌های مشابه وجود داشته‌اند که این امر، ناآشنایان به دقایق تاریخی را در تعیین هویت زمانی و مکانی آن‌ها به تردید می‌اندازد.

درک درست از مکان‌ها و اشخاص یکی از دشواری‌های بررسی اخبار آخرالزمان است.

**۱۲-۸-۷. تغییر اسامی.** گاه نام‌ها به‌ویژه نام‌های مناطق در طی تاریخ تغییر می‌یابند و دارای نامی غیر آن می‌شوند که اخبار به آن اشاره دارند. حتی ممکن است شبیه به نام منطقه‌ای دیگر شوند. این نیز از دیگر مواردی است که واقعیت آن را جز با پژوهش نمی‌توان دریافت.

**۱۲-۸-۸. درک راوی.** معصوم معمولاً مطابق با درک راوی سخن می‌گوید و در گفتار و تعبیر خود از واژگان و اصطلاحات و عناصر فرهنگی زمان و مکان خویش بهره می‌گیرد. راوی نیز سخن معصوم را مطابق با درک خویش دریافت می‌کند. حتی این مجوز نیز به روایان داده شده است که در صورت دشواری حفظ عین سخن معصوم، آن را نقل به معنی کنند.

در میان این ویژگی‌های فرهنگی و فردی، زمانی و مکانی مرتبط با روایت و راوی، دریافت منظور و مقصود اصلی سخن معصوم گاه با دشواری همراه است.

**۱۲-۸-۹. تفسیر پژوهشگر.** درک درست منظور و هدف معصوم، نیازمند ذهن خالی و روح حقیقی پژوهشگر است. بی‌گمان اگر پژوهشگر یا خواننده‌ی دیگر نیز بخواهد پیش‌داوری‌ها، ذهنیات و محدودیت‌های فرهنگی زمان و مکان خویش را در تفسیر سخن معصوم به کار گیرد، به جای پرده‌برداری از نیات معصوم، پرده‌ای دیگر بر درک خبر او خواهد انداخت.

در جنبه‌ی اسلامی موضوع، شناخت پژوهشگر از اسلام ناب در جنبه‌های نظری و عملی آن و نیز اشراف او بر زمان و مکان و شرایط سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و تاریخی زمان صدور حدیث و پس از آن، می‌تواند درک درست از هدف، منظور و مضمون سخن معصوم را به او ببخشد.

**۱۲-۸-۱۰. نگاه ارزشی به اخبار.** خبر از رخدادی در آینده، فی‌نفسه و به خودی‌خود، به معنی ارزش‌گذاری یا تأیید یا نفی ارزشی آن رخداد نیست. چنین هم نیست که نشانه‌ی رخدادی خوب، همواره بد یا خوب ارزیابی شود.

با توجه به این دو واقعیت باید توجه داشت که آن چه به عنوان اخبار آینده، اخبار آخرالزمان یا نشانه‌های ظهور در سخن اهل عصمت آمده است لزوماً به معنی بد و زشت بودن آن رخداد یا نشانه نخواهد بود بلکه ارزش‌گذاری این رخدادها را باید از

طریق اطلاعاتی دیگر — که ممکن است در آن خبر نباشد — دریافت.

به عبارت دیگر، ذکر چیزی به عنوان خبر آینده، یا خبری در آخرالزمان یا نشانه‌ای برای ظهور لزوماً دلالت بر ارزش‌گذاری مثبت یا منفی آن نخواهد داشت.

### ۹-۱-۱۲. عمل بر اساس اخبار

با توجه به آن چه در زیر بندهای بند ۸۱-۱۲ آمد، اخبار آخرالزمانی یا اخباری که به عنوان اخبار آخرالزمان شناخته می‌شوند، پیش از هر گونه فحص و تحقیق و تدقیق و پژوهش در جهات و جنبه‌های مختلف سند و متن و دلالت، نمی‌توانند مبنای ارزش‌گذاری مثبت یا منفی رخدادهای حال و آینده یا عمل یا خودداری از عمل در حال یا آینده قرار گیرند. به عبارت دیگر، به لحاظ منطق، یک خبر به خودی خود و بدون قرائن، نمی‌تواند به عنوان مأخذ یا مجوزی برای دستوری اخلاقی یا فقهی مورد استناد قرار گیرد. دستیابی به قرائن نیز نیازمند آگاهی‌های دیگری است.

### ۱۰-۱-۱۲. دو نکته‌ی ضروری

۱-۱۰-۱-۱۲. جهان پیش از ظهور. آیا پیش از ظهور امام عصر(عج)، جهان همواره رو به تباهی می‌رود و این تباهی روزافزون خواهد بود تا آن‌جا که هیچ کجای جهان روشنایی نباشد و آن‌گاه که جهان کاملاً پُر از ستم و بدکاری شد، به‌ناگاه ظهور روی خواهد داد؟

برخی چنین برداشتی از روایتی مشهور درباره‌ی مهدی موعود(عج) با این مضمون دارند که: "به یملاً الله الارض قسطاً و عدلاً بعد ما ملئت ظلماً و جوراً؛ پس از آن‌که زمین از تباهی و ستم پُر شد، خداوند به وسیله‌ی وی زمین را پُر از برابری و عدالت خواهد ساخت."

واقعیت این است که برداشتی آن‌چنان، بیش از مدلول این روایت مشهور است. آشنایی با ادبیات عرب و نوع تعبیرات آن و حتی ترجمه‌ی درست این خبر به زبان فارسی، چنین مفهومی را از روایت به دست می‌دهد و به اصطلاح اهل ادب، آن را به چنین تأویلی می‌برد که: زمانی بیشتر قریب به همه‌ی نقاط زمین را تباهی و ستم خواهد گرفت. پس از آن، زمانی دیگر نیز خواهد رسید که خداوند، زمین را به وسیله‌ی مهدی(عج) از برابری و عدالت پُر خواهد ساخت.

ملاحظه می‌شود که نماندن هیچ نقطه‌ای سفید در زمین پیش از ظهور، ظهور بلافاصله پس از اوج تباهی، و گسترش بی‌درنگ برابری و عدالت در زمین پس از ظهور، نتیجه‌ی منطقی مدلول‌های این خبر نیستند. بنابراین حالات گوناگون دیگری نیز برای وضعیت جهان پیش از ظهور قابل برداشت است از جمله این‌که ممکن است در سال‌ها یا سده‌هایی پیش از ظهور، حرکت‌هایی اصلاحی از سوی مؤمنان و انسان‌های آزاده در نقاطی از جهان صورت پذیرد و به موفقیت‌هایی نیز برسد. در نتیجه خداوند با دیدن این کوشش مؤمنان و وجود انسان‌هایی اصلاح‌گر که یاوران مهدی می‌توانند باشند، زمینه را برای ظهور و گسترش حرکت اصلاحی به کل جهان مساعد ببیند.

۲-۱۰-۱-۱۲. زمان ظهور. با توجه به آن‌چه تاکنون گفته شد، تعیین این‌که جهان کنونی در چه موقعیتی نسبت به هنگام ظهور قرار دارد، نه تنها دشوار است، بلکه حتی قابل حدس هم نیست. اگر خداوند بخواهد، لحظه‌ای بعد، ساعت ظهور خواهد بود و خداوند تصرف‌های لازم را در جهان هستی به منظور آمادگی برای ظهور خواهد کرد. اما اگر گونه‌ای دیگر مقرر باشد، این امر می‌تواند موقوف به سال‌ها، دهه‌ها و حتی سده‌ها یا هزاره‌های بعد شود.

از این رو نه دور نمایاندن چیزی نزدیک به صلاح انسان‌هاست و نه نزدیک نمایاندن چیزی دور. اما اگر بپذیریم که قیام مصلح کل جز با فراهم آمدن یاوران مورد نیاز رخ نخواهد داد و یاوران مصلح باید صالح و مصلح باشند، به این نتیجه خواهیم رسید که هر گونه حرکت اصلاحی و افزایش شمار اصلاح‌گران می‌تواند زمان ظهور امام موعود را به پیش اندازد.

### نتیجه

با توجه به این ملاحظات، می‌توان دریافت که:

برخی از اخبار آمده در این کتاب در تحت عنوان "نمونه‌هایی از اخبار پیش از ظهور"، به فرض صحت همه‌ی آن‌ها، خبرهای زمانی نزدیک به ظهور نیستند، بلکه خبرهای آینده‌ای هستند که اکنون گذشته است یا خبری مربوط به آینده‌ای هستند که نزدیک ظهور نیست. بنابراین از آن‌ها نمی‌توان دریافت که ظهور چه‌قدر نزدیک است.

برخی دیگر نیز پیش از این تکرار شده‌اند و / یا پس از این تکرار خواهند شد. بنابراین نمی‌توان دریافت که رخدادی، همان رخداد ذکرشده در خبر است یا مشابه آن.

از برخی دیگر- مانند فرمانروایی زنان یا بلند و محکم ساخته شدن ساختمان‌ها- نمی‌توان بد بودن آن‌ها را نتیجه گرفت.

برخی دیگر نیز همانند این‌که: "نوآوری در دین، افزون می‌شود." با ترجمه‌ی نادرست "نوآوری" (با بار مثبت آن) به جای «بدعت» (با بار منفی)، پیام و آموزه‌ای منفی و نادرست یافته‌اند.

برخی دیگر هم به نظر می‌رسد که با یکدیگر در تضاد و تعایرنند. این دو مورد را مقایسه کنید: "کودکان مورد ترحم واقع



نمی‌شوند." و "کودک‌سالاری می‌شود." تنها راه جمع میان این دو خبر آن است که اولی را مربوط به کودکان دیگران و دومی را مربوط به کودک خود بدانیم.

بنابراین درج این همه اخبار با اطلاعات و پیام‌های متنوع و نیازمند شرح و تفسیر و تبیین در کنار یکدیگر، گاه می‌تواند پیام‌هایی مغایر با آموزه‌های عقل و شرع و دین داشته باشد یا مایه‌ی تصمیم‌هایی ناسنجیده در موضع‌گیری در برابر زمان و حوادث آن شود.

### ۱۳. صفحات «بهار روزگاران»

این دو صفحه جز تصویر چیزی ندارند. تصویری از دریایی آبی که سبزه‌های زمین در بخشی از آن دویده است؛ گره‌ی زمینی سرسبز که از دریا برآمده و بخشی از آن را جنگلی زیبا پوشانده است. آسمان زیبایی آبی و نیمه‌ابری با دو پرندۀ شبیه درنای سفید که در آسمان می‌رقصند. این نمادی از دوران ظهور است.

### ۱۴. صفحات «پی‌نوشت‌ها»

در این دو صفحه، منابع و مأخذ همه‌ی ارجاع‌های متن به تفکیک عناوین هر دو صفحه و در کادری زیبا با گزیده و کمرنگ‌شده‌ی تصویرهایی از همان صفحات در پس‌زمینه‌ی نوشته‌ها آمده است. اغلب منابع، تنها به سبک پانوش، با شماره‌ی ارجاع مشخص شده و اغلب تنها شامل نام کتاب و شماره‌ی صفحه‌ی آن‌اند. برای آیات، تنها نام سوره و شماره‌ی آیه آمده است.

در نخستین کادر که توضیحی برای انگیزه‌ی تألیف کتاب به این شکل است، ذکر شده است که دیدن کتابی خارجی به این سبک، انگیزه‌ی تدوین کتاب حاضر بوده است. آن‌گاه عذر تقصیر کاستی‌ها و درخواست راهنمایی از خوانندگان و اذعان به این‌که عکس‌ها از اینترنت گرفته شده‌اند و به دلیل نبود اجازه از سوی هنرمندان داخلی برای بهره‌گیری از آثار منتشر شده‌ی آن‌ها از آثارشان استفاده نشده است. سپس نام کتاب‌هایی آمده که بیشترین استفاده از آن‌ها شده است.

#### ۱۴ - ۱. نقدی بر این دو صفحه

در ذکر مأخذ پُر مراجعه در این کتاب، از کتاب «قصص الانبیاء» [سیدنعمت‌الله] جزایری نام برده شده که البته این کتاب، اثری چندان معتبر نیست. هم‌چنین نام کتاب «العبقری الحسان» به همین صورت درست است نه به صورت «عبقری الحسان» که به آن ارجاع داده شده است.

بازبینی صحت ارجاع‌ها که در این دو صفحه آمده‌اند، بیش از مجال لازم برای نگارش این نقد بود. تنها یک مورد از مواردی که به «باب ۲، آیه ۱» در انجیل یوحنا ارجاع داده شده بود (مورد ۵۲ مربوط به صفحات «قرآن کریم»)، بررسی شد و معلوم شد که درست آن «باب ۲، آیه ۴» است.

در طراحی تصویرها نیز موردی مربوط به دستی که با خط کوفی قرآن می‌نویسد در بخش «قرآن کریم»، به صورت تغییر جهت داده در کادر مربوط به خود در بخش «پی‌نوشت‌ها» جای گرفته است. در نتیجه خط قرآن تغییر جهت داده و ناخوانا شده است.

### ۱۵. جلد کتاب

این کتاب دارای یک پوشش (کاور) بر روی جلد است که در دسترس نگارنده نبود. نسخه‌ی بدون پوشش، شامل جلدی است که در آن خط نیمه تیره‌ی قهوه‌ای و قهوه‌ای تیره‌ی عنوان کتاب، بر روی متن قهوه‌ای آن هیچ جلوه، نمایش و جذابیتی ندارد.

### نکته‌ی آخر

خلق آثاری از این دست در زمینه‌ی ادبیات و هنر دینی، یکی از نیازهای امروزین کودکان و نوجوانان ماست. تنها چند مانع و ملاحظه در این زمینه را نباید فراموش کرد:

۱. این آثار باید به‌گونه‌ای گروهی (مجموعه‌ای از پدیدآورندگان متعدد، متخصص، پژوهشگر و دردمند اعم از نویسنده، عکاس، تصویرگر، حروف‌نگار، ویراستار و صفحه‌آرا) تولید شوند.
۲. بودجه‌ی لازم و کافی برای آفرینش این آثار باید تأمین شود. هزینه‌ی بالای تولید و چاپ آن‌ها و وقتی که از پدیدآورندگان می‌گیرد، از نظر پنهان نیست.
۳. فکری برای قیمت بالای آن‌ها باید بشود. بسیار به‌جاست که این کتاب‌ها به عنوان امر خیر یا خدمتی فرهنگی، از سوی افراد و مراکز مختلف دولتی و خصوصی خریداری شوند و به قیمت نازل یا به رایگان در قالب جایزه، هدیه، یارانه، تخفیف یا فروش ویژه، به آسانی در اختیار یا مالکیت کودکان و نوجوانان ایرانی یا خارجی قرار گیرند.